

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال سوم، شماره پیاپی ۸، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۵/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۴

صص ۱۷-۳۳

بررسی کیفی تأثیر خانواده در میزان بزهکاری دختران و زنان (بررسی موردی بند نسوان زندان مرکزی اصفهان)

علی ربانی خوراسگانی، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان
حوریه ربانی اصفهانی، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان*

چکیده

خانواده نخستین گروهی است که به صورت طبیعی وجود داشته‌اند و جامعه بر پایه آن بنا شده است. چگونگی و کیفیت عملکرد خانواده در تحقق وظایف خویش شاخص مناسبی برای ارزیابی عملکرد جامعه است. هر چه عملکرد خانواده خوبتر و سالمتر باشد، ثبات و سلامت جامعه بیشتر خواهد بود و برعکس، هر چه عملکرد خانواده بدتر و آشفته تر باشد سلامت جامعه بیشتر تهدید می‌شود. وقتی زن؛ یعنی ریشه و اساس و بنیان خانواده به بزهکاری متمایل شود، از سایر اعضای خانواده به‌ویژه فرزندان نمی‌توان انتظار داشت که در راه درست و صحیح قدم بگذارند، زیرا از تربیتی صحیح و درست محروم مانده‌اند. با توجه به اهمیت مسأله، به‌خصوص بزهکاری دختران به عنوان مادران و سازنده نسل آینده و با توجه به این که بیشتر مطالعات به صورت کمی صورت گرفته، این تحقیق در صدد بررسی کیفی این موضوع و تأثیر خانواده بر آن در کلانشهری مذهبی مثل اصفهان است. در واقع، هدف، بررسی تأثیر خانواده اعم از پدر و مادر بر میزان و گونه‌های مختلف بزهکاری دختران است. در این تحقیق، به منظور گردآوری اطلاعات از تکنیک مصاحبه و روش نمونه‌گیری در دسترس (به علت محدودیت مصاحبه با زندانیان) و در تحلیل آن از روش تحلیل مضمون و نمودار شبکه‌ای استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که خانواده تأثیر بسیار زیادی بر گرایش یا عدم گرایش دختران به ارتکاب بزه دارد و در واقع، می‌توان یکی از مهمترین فاکتورهای بروز بزهکاری در دختران را خانواده و شرایط آن دانست.

واژه‌های کلیدی: خانواده، بزهکاری، مادر، دختر، روش تحقیق کیفی.

مقدمه

از گذشته‌های دور تا چند دهه پیش، جرایم، افعالی مردانه به حساب می‌آمدند و عده زنان مجرم در جوامع بسیار اندک و پیش‌بینی نشده بود، ولی امروزه جرایم زنان موضوعی در خور تأمل است و از آنجا که زنان، مادران آینده هستند و مجرم بودنشان تأثیری بسزا در تربیت صحیح نسل آینده‌ساز جامعه دارد، بزهکاری آنها ضربه سنگینی به جامعه‌زده، موجب نگرانی فرهنگی و تربیتی نسل آینده خواهد شد.

رابطه بین مادر و کودک معمولاً در طی مراحل نخستین زندگی کودک اهمیتی بسیار دارد. تحقیقات نشان می‌دهد که اگر این رابطه به هر طریقی آسیب ببیند، ممکن است نتایج وخیمی به بار آورد. وقتی زن؛ یعنی ریشه و اساس و بنیان خانواده به بزهکاری متمایل شود، از سایر اعضای خانواده، به ویژه فرزندان نمی‌توان انتظار داشت که در راه درست و صحیح قدم بگذارند، زیرا از تربیتی صحیح و درست محروم مانده‌اند، در صورتی که اگر مرد یک خانواده به بزهکاری روی آورد، دور از ذهن نیست که مادری فداکار و متعهد به حفظ و بقای کانون خانواده همت گمارد و فرزندان را از قدم گذاشتن در راه‌های ناصواب باز دارد، زیرا تربیت فرزندان اساساً از دامن مادران شکل می‌گیرد. متأسفانه در زمان حاضر شماری از زندانیان، زنانی هستند که به علت ارتکاب جرایم گوناگون از کانون خانواده جدا شده، در زندان به سر می‌برند که بزهکاری این زنان علل متفاوت و متعددی دارد.

این تحقیق به بررسی و تجزیه و تحلیل تأثیر نقش تربیتی خانواده بر کاهش میزان بزهکاری دختران به عنوان مادران آینده می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

تحقیقات داخلی

مقاله بررسی رابطه بین پیوندهای اجتماعی^۱ خانوادگی و میزان بزهکاری نوجوانان که کوششی در جهت بررسی رفتار

بزهکارانه نوجوانان ۱۳-۱۹ ساله بهشهر براساس آزمون تجربی نظریه‌های کنترل اجتماعی هیرشی توسط مهدوی و عباسی اسفجیر در تابستان ۸۶ انجام شد، عنوان می‌کند که خانواده اولین نهاد در جامعه‌پذیری است و در برخی موارد نقش مهم خانواده به عنوان عامل مستقیم و اصلی جرم و جنایت انکار نشدنی است (مهدوی، اسفجیر، ۱۳۸۷: ۱۱-۴۵)

در بسیاری از نظریه‌های جرم‌شناسی (بی‌سازمانی اجتماعی^۲ یادگیری اجتماعی و به‌ویژه کنترل اجتماعی) خانواده دارای نقش برجسته چه از نظر کوتاه مدت و چه بلند مدت است.

جمشیدی (۱۳۸۷) در بررسی عوامل مؤثر بر انحراف زنان و دختران آسیب‌دیده و در معرض آسیب مراکز بازپروری بهزیستی استان تهران در تحقیقی برای دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال ۱۳۸۷ با روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه در بین زنان زندانی چهار مرکز بازپروری سازمان بهزیستی به این نتیجه رسیده است که افرادی که والدین آنها (مخصوصاً مادر) در سطح پایینی از تحصیلات و در آمد قرار داشته یا فاقد یکی از والدین و سرپرست مناسب بوده‌اند و پس از جدایی یا فوت والدین در محیط‌های خانوادگی متشنج یا دارای تبعیض بین دختر و پسر زندگی کرده‌اند، بیشتر به انحراف کشیده شده‌اند. همچنین، احتمال انحراف افرادی که خانواده آنان پایبند مسایل اعتقادی نبوده و یکی از اعضای خانواده آنان خلافکار بوده‌اند یا در محله‌های دارای افراد منحرف زندگی کرده‌اند بیشتر است (شایگان، جبلی، ۱۳۸۹: ۶۸)

در پژوهشی که بر دختران فراری استان لرستان صورت گرفت، میانگین سن مادران ۴۶ سال بود که ۹۶٫۹٪ خانه‌دار، ۶۹٫۲٪ بیسواد، ۶٫۹٪ سابقه اعتیاد و ۱۳٫۴٪ سابقه خلافکاری داشتند. در این پژوهش، آزمون آماری کای اسکوار نشان داد که بین فرار دختران و زنان با برخی از ویژگی‌های خانوادگی، به‌ویژه درگیری‌ها و کشمکش با والدین، ازدواج‌های اجباری، بیسوادی و یا سطح پایین سواد والدین، بیکاری و نداشتن

تشکیل می‌دهند که خود مسأله را برای نسل آینده تشدید می‌کند و باعث تباهی کودکان و نوجوانان بیشتری می‌شود (حسینی، بکه‌کار، ۱۳۹۰: ۹۷-۱۱۵).

در مقاله «اختلال در کارکرد رشدی خانواده و بزهکاری اطفال و نوجوانان» نوشته معظمی و مهدوی، تحقیق انجام شده در بین دختران فراری مددجوی بهزیستی استان تهران نشان داد که ۸۰٪ دختران مورد تحقیق از کودک آزاری عاطفی، عدم ابراز محبت از سوی مادر، ضرب و شتم، فحاشی، سرزنش و تحقیر از سوی مادر که به قطع رابطه عاطفی با مادر منجر شده است، رنج می‌برده‌اند (معظمی، مهدوی، ۱۳۸۸: ۸۵-۱۱۱).

تحقیقات خارجی

سرکونویچ و جیاردانو در مطالعه خود مدل هفت بعدی را برای تعامل خانوادگی در نظر گرفته‌اند که عبارتند از: ۱- نظارت و سرپرستی؛ ۲- حمایت هویتی؛ ۳- مراقبت و اعتماد؛ ۴- ارتباط صمیمی؛ ۵- ارتباط ابزاری؛ ۶- عدم رضایت والدین از دوستان؛ ۷- تضاد مدل آنها نشان‌دهنده رابطه معناداری بین تعامل خانوادگی و بزهکاری نوجوانان است (سرکونویچ و جیاردانو، ۱۹۸۷: ۲۹۵-۳۱۵).

مطالعه جویی و فرینگتون نشان می‌دهد که درصد نرخ بزهکاری در میان پاسخگویانی که از خانواده گسسته می‌آیند بیش از خانواده‌های دست نخورده و سالم است (جوی و فرینگتون، ۲۰۰۱: ۲۲-۴۰).

نظریه دلبستگی بالبی (۱۹۸۰ به نقل از راکین، سولومون و نریا، ۲۰۰۳) بیان می‌کند که روابط کودک با مراقبان (مادر یا جانشینان مادر) در سال‌های اولیه زندگی، به تشکیل الگوهای روانی خاصی منجر می‌شود که مبنای بیشتر روابط بین فردی در بزرگسالی است. در نظریه دلبستگی همواره بر دو نکته تأکید شده است: اول این که رابطه گرم، نزدیک و پیوسته مادر با کودک برای سلامتی روانی‌اش ضروری است و دوم این که

درآمد والدین و وضعیت اقتصادی ضعیف خانواده ارتباطی معنادار وجود دارد (ساک، ۱۳۸۶: ۳۵-۴۲)

شایگان در تحقیقی که در بررسی عوامل فردی مؤثر بر گرایش‌های بزهکاری زنان با روش پیمایشی بر روی ۷۵ تن از زنان دستگیر شده در اداره آگاهی و مبارزه با مواد مخدر انجام داده است، رابطه اعتقادات مذهبی و بزهکاری زنان را بررسی کرده است که ۵۸٪ جمعیت آماری وی اعتقادات مذهبی ضعیفی داشته، امور دینی خود را در اندازه‌ای محدود انجام می‌دادند، لذا می‌توان گفت که ادای فرایض دینی در افراد چه بسا مانعی برای ارتکاب جرم باشد. همچنین، نتایج آماری نشان می‌دهد که از دست دادن پدر برای نیمی از جمعیت و از دست دادن مادر برای ۹۰٪ جامعه آماری قبل از ۱۰ سالگی رخ داده است، لذا بیشتر این افراد از محبت پدر و مادر محروم بوده‌اند و این محرومیت در اکثر مواقع به علت طلاق والدین و یا به علت فوت یکی از آنان بوده است. بر این اساس، فردی که در کودکی محبت کردن را فراموش کرده و در آغوش گرم پدر و مادر (مخصوصاً مادر) پرورش نیافته و همیشه تحقیر شده، در پی انتقام برآمده و عقده‌های ناشی از این کمبودها را در قانون‌شکنی و تضییع حق دیگران جبران کرده است.

حسینی و بکه‌کار در مقاله «بررسی مقایسه‌ای عوامل خانوادگی مؤثر بر بزهکاری دختران نوجوان شهر تهران (۱۳۸۶-۱۳۸۷)» به بررسی و نگاه کوتاه به کانون‌های اصلاح و تربیت می‌پردازند و نوجوانانی را که به علت ارتکاب اعمال خلاف قانون و عرف اجتماعی در کانون‌های اصلاح و تربیت به سر می‌برند، مورد پژوهش قرار می‌دهند. کودکان و نوجوانانی که گرفتار این بلای اجتماعی می‌شوند، در اکثر موارد فرصت‌های جبران‌ناپذیری را از حیث کار و تحصیل از دست می‌دهند و وجود چنین سابقه نامطلوبی بر زندگی آینده آنها تأثیر فراوان می‌گذارد و با توجه به پذیرفته نشدن آنها در حلقه‌های درسی و کاری آبرومند و آینده‌ساز قشر مطرودی را

والدین افزایش پیدا کرده و خواهان استقلال و آزادی بیشتر است و چنانچه والدین این تحول نیازی را درک نکنند موجب بروز تعارض در خانواده می‌شود.

پالوشی^۱ (۲۰۰۸) می‌گوید مادران مبتلا به اعتیاد، خود در معرض انواع گوناگونی از مخاطرات قرار دارند که منجر به ناتوانی آنها در ایفای نقش مثبت خانوادگی می‌انجامد. از جمله این خطرات می‌توان به افسردگی، قرار گرفتن در معرض خشونت خانوادگی، سوء استفاده جنسی، ابتلا به اختلالات روانی و ارتکاب جرم را نام برد که هر یک از این موارد، کودکان را در معرض خطر اختلال رشدی، سوء رفتار و بی‌توجهی قرار می‌دهد (Paluscei, 2008:261).

لاکفیلد و همکاران در پژوهشی با عنوان «ابعاد دینداری به عنوان واسطه‌هایی از روابط بین رفتار انحرافی و والدین و بزرگسالان» که در سال ۱۹۹۷ منتشر شد، نشان دادند که سه بعد دینداری به صورت متغیرهای مداخله‌گرایانه بین رفتارهای والدین و انحراف عمل کرده و انتظار والدین این است که دینداری فرزندانشان انحراف بعدی آنها را برطرف کند (لاکفیلد و همکاران، ۱۹۹۷: ۱۹۹-۲۰۶).

ارتباط مذهب با بزهکاری زمانی قابل طرح است که دینداری براساس محتوای اجتماعی^۲ اخلاقی و فرهنگی تعریف شده باشد. در این زمینه، چادویک و تاپ چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که دو معیار دینداری؛ یعنی رفتار مذهبی و احساسات دینی در پیش‌بینی بزهکاری دخالت دارند؛ به گونه‌ای که هر چه شدت رفتار مذهبی در بعد خصوصی بیشتر باشد و احساسات دینی قوی‌تر و مقبولیت بیشتری داشته باشد، میزان ارتکاب بزهکاری کمتر خواهد بود (Chad Wick & Top 1993:51-67).

اهمیت و ضرورت بحث

همان‌گونه که بیان شد، در زمینه بزهکاری نوجوانان و جوانان

جدایی از مادر و یا طرد شدگی از سوی وی در اغلب بزهکاران دیده می‌شود.

بالبی جدایی از مادر را در ایجاد بزهکاری دخیل می‌داند؛ چرا که کودکان ناسالم محیطشان را به عنوان یک محیط متزلزل و تهدیدکننده دریافت می‌کنند؛ سپس از هنجارهای جامعه تنزل پیدا کرده و به تدریج از لحاظ عاطفی^۳ هیجانی از جامعه‌ای که به آن تعلق دارند، جدا می‌شوند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سبک دلبستگی ناایمن کودکان و نوجوانان با الگوهای رفتارهای سازش نایافته و کنشوری هیجانی در سال‌های بعدتر زندگی مرتبط است (محمود منصور، پریخ دادستان، ۱۳۷۴).

لاوب و سمپسون در پژوهشی به بررسی ارتباط بین دلبستگی والدین و عوامل زمینه‌ساز بزهکاری بر روی ۱۰۰۰ نوجوان (بزهکار و عادی) پرداختند. نتایج نشان داد که بین نظارت مادرانه، دلبستگی والدینی و سبک نظم و مقررات اعمال شده، با بزهکاری و کجروی ارتباط معناداری وجود دارد.

ساترلند نشان می‌دهد که خانواده از هم گسیخته رابطه نزدیکی با بزهکاری پسرهای نوجوان ندارد اما همان زمان به نظر می‌رسد که نسبت بیشتر دخترها نشانگر این است که خانواده از هم گسیخته عامل مؤثری در بزهکاری آنهاست (ساترلند، ۱۹۳۷).

تحقیق سایگر و همکاران او نشان می‌دهد که بیشترین میزان ورودی‌های نوجوانان بزهکار به کانون اصلاح و تربیت در سن ۱۳-۱۷ سالگی و بیشترین نرخ دختران فراری مربوط به سن دوره راهنمایی تحصیلی است.

مک کورد در مطالعه خود شایستگی مادر و انتظارات خانواده را با بزهکاری نوجوانان مرتبط می‌داند (مک‌کورد، ۱۹۹۱: ۳۹۷-۴۱۷).

کالینز (۱۹۹۰) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده است که با ورود کودک به دوره نوجوانی انتظارات وی از

^۱ Paluscei

کلووارد و اولین، محرومیت از فرصت‌های مشروع برای نیل به هدف را عامل فشار بر افراد و گرایش آنها به بزهکاری می‌دانند. هنگامی که فاصله بین امیال تحقق نیافته و فرصت‌ها زیاد می‌شود، نوجوانان ناچار به گزینه‌های غیرقانونی متوسل می‌شوند. کنش بزهکارانه نه تنها مستلزم دستیابی به وسایل غیرقانونی است، بلکه وجود فرصت‌های غیرقانونی نیز در آن دخالت دارد؛ حتی فرصت‌های غیرقانونی نیز به طور مساوی در اختیار همگان نیست (شیخاوندی، ۱۳۸۴).

نظریه دیگر که در این قسمت بررسی قرار می‌شود، نظریه تضاد است. براساس نظریه‌های تضاد، جامعه در حال تغییر، ناهماهنگی و عدم تعادل است و این ویژگی‌ها در نظام طبقاتی امری اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود. این نظریه‌ها به همبستگی جرم و بزهکار با نظام سرمایه‌داری اشاره می‌کنند و تأکید دارند قوانین کیفری را گروه‌های دارای قدرت اقتصادی و سیاسی برای کنترل افراد فاقد قدرت وضع می‌کنند (احمدی، ۱۳۸۵).

در حقیقت، نظریه‌پردازان تضاد فشارهایی را که بر طبقات اجتماعی پایین تحمیل می‌شود (از جمله فشارهای اقتصادی) عاملی برای بزهکاری می‌دانند. این نظریه‌پردازان عامل اقتصادی را یکی از دلایل مهم گرایش افراد به بزهکاری تلقی می‌کنند.

نظریه‌های یادگیری اجتماعی: مجموع صاحب‌نظرانی که موضوع یادگیری اجتماعی را مطرح ساخته‌اند، بر این باورند که بزهکاری و همنوایی طی فرایندهای مشابه یاد گرفته می‌شوند و بزهکاری نتیجه یادگیری هنجارها و ارزش‌های انحرافی، به‌ویژه در چارچوب خرده فرهنگ‌ها و گروه‌های همسالان است. بنابراین، نکته اصلی نظریه‌های یاد شده این است که افراد در فرایند تعامل با دیگران، کجرفتاری را یاد می‌گیرند.

ادوین ساترلند یکی از نظریه‌پردازان پیشگام در زمینه

تحقیقاتی در مناطق گوناگون (چه داخل کشور و چه خارج) انجام گرفته و نتایجی هم به دست آمده است، ولی با توجه به اهمیت مسأله، به خصوص بزهکاری دختران به عنوان مادران و سازندگان نسل آینده و با توجه به این که بیشتر مطالعات به صورت کمی انجام شده، مهمترین وجه تمایز این تحقیق با تحقیق‌های گذشته، بررسی کیفی آن است که با استفاده از تکنیک مصاحبه این موضوع بررسی شده است. دیگر وجه تمایز این تحقیق، جامعه آماری آن است. محقق در این تحقیق سعی دارد به بررسی میزان تأثیر خانواده اعم از پدر و مادر و نزدیکان بر گونه‌های مختلف بزهکاری دختران در زندان مرکزی شهر اصفهان بپردازد.

رویکردهای نظری

در زیر خلاصه‌ای از نظریه‌های فشار، یادگیری اجتماعی و کنترل به عنوان چارچوب نظری پژوهش شرح داده می‌شود.

نظریه‌های فشار: عواملی در جامعه وجود دارند که برخی

از مردم را تحت فشار قرار دهند و آنان را به بزهکاری مجبور می‌کنند. مرتن این فشار را ناشی از ناتوانی شخص در دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی می‌داند. وی معتقد است موفقیت از دیدگاه جامعه صرفاً موفقیت مالی است، اما ابزار دستیابی به آن در اختیار افراد قرار نمی‌گیرد، از این رو، افراد برای دستیابی به پایگاه اقتصادی مورد نظر جامعه دست به بزهکاری می‌زنند. او پایگاه اقتصادی را در گرایش افراد به بزهکاری بسیار مهم می‌داند. البته، مرتن تأکید دارد که همه افراد به فشارهای اجتماعی ناشی از دسترسی نداشتن به فرصت‌های مشروع برای تحقق اهداف واکنش یکسانی نشان نمی‌دهند و همه فرودستان برای دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی کجرفتاری نمی‌کنند، بلکه هر کس به طریقی خود را با محیط سازگار می‌کند؛ از جمله نوآوری، طغیان، استفاده از ابزار نامشروع و کناره‌گیری از جامعه (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳).

بزهکاری و تأثیر یادگیری اجتماعی است (شیخاوندی، ۱۳۸۴).

دومین نظریه‌پردازی که با رویکرد یادگیری اجتماعی به موضوع کجرفتاری می‌پردازد، گلنزر است. وی مدعی است که ساترلند رویکردی مکانیکی به کجرفتاری دارد و برای اصلاح این تصویر ماشین‌انگارانه اظهار داشته است که تعامل با کجرفتاران به خودی خود ضرری ندارد، مگر به حدی برسد که فرد خود را با کجرفتاران یکی بداند و از آنها هویت بگیرد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵).

نظریه نظارت اجتماعی: مهمترین صاحب‌نظر رویکرد کنترل اجتماعی هیرشی است. وی علت هم‌نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی آنها دانسته است. هیرشی مدعی است که پیوند میان فرد و جامعه مهمترین علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن موجب کجرفتاری می‌شود. از نظر هیرشی، پیوند فرد با جامعه چهار جزء اصلی دارد که مانع کجرفتاری می‌شوند. این اجزا عبارتند از: تعلق خاطر، تعهد، درگیر شدن و اعتقاد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵).

بر اساس دیدگاه نظرهای اجتماعی، جامعه متشکل از اجزای به هم پیوسته و هماهنگ است و آنچه اهمیت دارد، تعادل، ثبات و توازن است. با توجه به این نگرش کلی، انحرافات رفتارهایی هستند خارج از هنجارهای تعیین شده و توصیه آنان اجتماعی شدن مجدد فرد منحرف است. بی‌هنجاری نشانه بیماری جامعه است و باید از طریق تقویت نظارت اجتماعی با آن مقابله کرد (محسنی، ۱۳۷۳).

روش تحقیق

گردآوری داده‌ها در پژوهش کیفی به شیوه‌های گوناگونی انجام می‌گیرد و پژوهشگر با توجه به مسأله پژوهش و راهبردی که برای اجرای پژوهش انتخاب کرده است، از روش‌های گوناگونی مانند مصاحبه، مشاهده، بررسی اسناد و پیشینه‌ها برای گردآوری داده‌های مورد نیاز استفاده می‌کند.

بهترین رویکرد گردآوری داده‌ها در مورد پژوهش رویکردی است که داده‌های حاصل از آن در پاسخگویی به پرسش پژوهش و تحقق اهداف مطالعه بهترین کارکرد را داشته باشد (حریری، ۱۳۸۵) با توجه به این امر، مصاحبه بهترین رویکرد انتخابی پژوهش حاضر است. پژوهشگر از میان انواع مصاحبه، از مصاحبه ساخت یافته استفاده کرده است. در اینجا هدف پژوهشگر در استفاده از روش کیفی تدوین نظریه نیست و به همین علت از راهکار تحلیل مضمون استفاده می‌کند.

در این پژوهش به علت محدودیت‌های موجود برای مصاحبه با زندانیان، از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد و با ۲۰ نفر از دختران و زنان ۱۸ تا ۳۲ سال، ساکن در بند نسوان زندان مرکزی اصفهان مصاحبه صورت گرفت. حداقل تحصیلات پاسخگویان، بیسواد و حداکثر فوق لیسانس و به طور متوسط تحصیلات ابتدایی تا دیپلم بوده است و نوع جرم آنها سرقت، خرید و فروش مواد مخدر، تن‌فروشی، حمل مواد مخدر، قتل، کلاهبرداری، فرار از منزل و ... است که بنا به مصالحی از ذکر تعداد آنها معذورم. حداقل تحصیلات والدین این افراد، بیسواد و حداکثر فوق دیپلم است که به طور متوسط بیسواد و یا تحصیلات ابتدایی است.

تحلیل مضمون

تحلیل مضمون روشی برای شناخت تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clark, 2006:77-101).

تحلیل مضمون صرفاً روش کیفی خاصی نیست، بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار آید. به طور کلی، تحلیل مضمون روشی است برای:

الف ° دیدن متن؛ ب ° برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب؛ ج ° تحلیل اطلاعات کیفی؛ د ° مشاهده

پایایی و روایی در مطالعات کیفی

در تحقیقات کمی پایایی یا تکرارپذیری به معنای آن است که بتوان مطالعه‌ای را چنان تکرار کرد که یافته‌های مطالعه اصلی در مطالعات بعدی نیز به دست آیند، اما تحقیق کیفی مدعی تکرارپذیری به معنای فوق نیست. قابلیت تکرار را این گونه می‌توان تعبیر کرد:

با در نظر گرفتن نگرش نظری مشابه همان محقق اصلی و تعقیب قواعد کلی گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل، به اضافه سایر شرایط مشابه، محقق دیگری باید قادر باشد درباره همان پدیده به توضیحات نظری یکسان برسد و اگر تعارض‌هایی پیش آید، می‌توان آنها را از طریق بازنگری داده‌ها و شناسایی شرایط گوناگونی که ممکن است در هر کدام از موارد عمل کند، حل نمود (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۷).

در رابطه با روایی، مارشال و راسمن معتقدند که "پژوهشگر می‌تواند اثبات کند که تحقیق به صورت دقیق مشخص است و می‌توان آن را شرح داد یا وصف کرد. سپس تحقیق مذکور باید از نظر کسانی که واقعیت‌های اصول را شناسایی می‌کنند، قابل اعتبار باشد (مارشال و راسمن، ۱۳۷۷).

بدین ترتیب، با مشخص کردن دقیق طرح تحقیق و محدود کردن جامعه مورد تحقیق سعی کردیم تا روایی را در تحقیق حاضر بالا ببریم؛ ضمن این که در نهایت تحقیق زیر نظر استاد راهنما به عنوان هدایتگر تحقیق انجام پذیرفته است.

کدگذاری اولیه یا سطح اول

در این مرحله سعی می‌شود مفاهیم یا کدهایی نوشته شوند که با واحد مورد نظر منطبق باشند.

نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ؛
ه^۰ تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (Boyatzis, 1998)

شبکه مضامین

"یکی از روش‌های تحلیلی مناسب در تحلیل مضمون، شبکه مضامین است که آتراید^۰ استرلینگ (۲۰۰۱) آن را توسعه بخشیده است. آنچه شبکه مضامین عرضه می‌کند، نقشه‌ای شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است. شبکه مضامین براساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل) را نظام‌مند می‌کند. سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تا رنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. شبکه مضامین به صورت گرافیکی و شبیه تارنما نشان داده می‌شوند تا تصور وجود هرگونه سلسله مراتب در میان آنها از بین برود و باعث شناوری مضامین می‌شود و بر وابستگی و ارتباط متقابل میان شبکه تأکید شود. با این حال، لازم است توجه شود که این شبکه‌ها صرفاً ابزاری تحلیلی هستند و نه خود تحلیل. وقتی یک شبکه مضمونی ساخته شد، می‌توان از آن به مثابه ابزاری تصویری برای تفسیر متن استفاده کرد تا نتایج حاصل از متن و خود متن برای محقق و خوانندگان تحقیق روشن و فهمیدنی شود. (Attride-Stirling, 2001:385-405).

در این پژوهش، سعی بر آن است تا از شبکه مضامین برای وصول به این هدف استفاده شود.

« کدبندی اولیه »

| درصد | تعداد | مفهوم یا کد اولیه | نمونه‌ای از عبارات ذکر شده از سوی پاسخگویان |
|------|-------|----------------------------------|--|
| ۱۵ | ۳ | تبعیض پدرانه | مادرم دختر دوست بود، ولی پدر شدیداً پسر دوست بود |
| ۵ | ۱ | تبعیض مادرانه | مادرم پسر بیشتر دوست داشت و همیشه بین ما فرق می‌گذاشت. |
| ۲۰ | ۴ | تبعیض دو جانبه | پدر و مادرم عاشق پسر بودند و در تمام زندگی فقط به آن بها می‌دادند. انگار که ما آدم نبودیم. می‌گفتند همان قدیم خوب بوده که دخترها را چال می‌کردند. |
| ۶۵ | ۱۳ | عدم تبعیض | در خانواده ما دختر و پسر فرقی نمی‌کنند (هر دوشان بدبختند) |
| ۴۰ | ۸ | عدم حمایت مالی | پدرم بیکار و مادرم خانه‌دار است و ما خودمان باید خرجمان را در می‌آوردیم. |
| ۱۰ | ۲ | مادر زیر بار فشار اقتصادی | پدرم بیکار است و مادرم با کلفتی در خانه‌های مردم خرج ما را می‌داد |
| ۵۵ | ۱۱ | عدم حمایت عاطفی پدرانه | اصلاً با پدرم احساس نزدیکی نمی‌کنم؛ یعنی در واقع هیچ احساس پدر و فرزندی با او ندارم و تا حالا نتونسته‌ام با او ارتباط برقرار کنم؛ مثل دو تا غریبه‌ایم |
| ۳۰ | ۶ | همدلی پدرانه | بابام را خیلی دوست دارم. در واقع مثل دو تا رفیق هستیم. البته، نه به حدی که حریم پدر و فرزندی شکسته شود. |
| ۹۰ | ۱۸ | ارتباط عاطفی با مادر | مامانم را خیلی دوست دارم در حد پرستش، الان که اینجا هستیم، به امید روزی نفس می‌کشم که بار دیگر در کنارش باشم. |
| ۱۰ | ۲ | عدم ارتباط عاطفی با مادر | مادرم را اصلاً دوست ندارم، نه قلباً و نه ظاهراً |
| ۶۵ | ۱۳ | ارتباط کلامی با مادر | با مامانم زیاد حرف می‌زنم، با او درد دل می‌کنم و با این کار آرام می‌شوم. |
| 30 | ۶ | عدم ارتباط کلامی با مادر | مادرم مسن است و طرز فکرش قدیمی است. حوصله شنیدن حرف‌های مرا ندارد. من هم دوست ندارم با او حرف بزنم. |
| 50 | ۱۰ | پدر و مادر مشکل‌گشا | مادرم مشکل‌گشای من است خیلی زحمتکش و با تجربه است. هزار تا بدبختی را پشت سر گذاشته است. |
| 25 | ۵ | دوست مشکل‌گشا | من هر وقت مشکل دارم با دوستم مشورت می‌کنم، چون با هم همدردیم، هم حالیم، رازداره و سرزنش نمی‌کند. |
| 5 | ۱ | عقل کل | من کسی را خیلی قبول ندارم. من را نمی‌فهمند، خودم مشکلاتم را حل می‌کنم. |
| 10 | ۲ | خدا راه حل مشکلات | من هیچ کس را ندارم. هر وقت مشکلی پیش می‌آید، به درگاه خدا زار می‌زنم تا کمک کند. البته، مدتی فراموشش کرده بودم - خدا فقط خدا چون هم رازدار خوبی است و هم اشتباهات آدم را به رخ او نمی‌کشد. |
| 80 | ۱۶ | اعتقادات مذهبی موثر در رفتار | هر وقت به خدا پناه بردم، درد دل کردن با او مرا سبک کرد و یک جورایی مشکلاتم را حل کرد یا وقتی صلوات نذر امامان می‌کنم، دل‌م آرام می‌شود و فکر خلاف را کمتر می‌کنم. |
| 20 | ۴ | تأثیر کم اعتقادات مذهبی در رفتار | من خیلی با مذهب جور نیستم؛ یعنی اعتقادات مذهبی خیلی به درد نمی‌خورد و شاید در مورد بعضی‌ها تا حدی بتواند راهگشا باشد. |
| 45 | ۹ | فقدان محیط مذهبی | خانواده من از نظر نماز خواندن صفر بودند، ولی کم و بیش نذر و نیاز می‌کردند: در واقع، یک جورایی اعتقاد کورکورانه که من قبول ندارم. |
| 50 | ۱۰ | محیط مذهبی | از وقتی یادم است مامان و بابام اهل نماز و روزه و عزاداری محرم بودند، ولی به نظرم خیلی خشک بود. دوست نداشتم، به این باور نرسیده بودم، ولی حالا می‌بینم همان درست بوده است. |
| 15 | ۳ | الگوی خیالی | الگوی من بیشتر در فیلم‌هایی بود که می‌دیدم مثلاً پرین در سریال با خانمان یا جودی ابوت در سریال بابالنگ دراز چون هیچ وقت خانوادم را دوست نداشتم که بخواهم از آنها الگو بگیرم |
| 40 | ۸ | مادر به عنوان الگو | الگوی من در زندگی مادرم است، چون در زندگی با توکل کردن با خدا سختی‌ها را تحمل می‌کند و با گذشت و فداکار است. |

| | | | |
|----|----|-------------------------------------|---|
| 20 | ۴ | پدر به عنوان الگو | پدر من ساقی است. من همه جوره عاشقشتم. او بهترین الگوی من است او الگوی یک فرد منظم و با برنامه است. |
| 10 | ۲ | الگوی محیطی | معلم ادبیاتم، احساس می‌کردم روح مرا با خواندن شعرهایش ارضا می‌کند- خواهر ° برادر ° دلبران بیشمار. |
| 20 | ۴ | زندگی بدون الگو | من الگوی خودم هستم. دوست دارم تجربه کنم و خودم الگو بشوم. فکر نکنم کسی در حدی باشد که بتواند الگوی من باشد |
| 35 | ۷ | جایز الخطا بودن انسان | خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که از نظر عقلی و احساسی دچار کمبودها و اشتباهایی می‌شود و باعث می‌شود خطا کند که این ایرادی ندارد؛ فقط نباید آن را تکرار کند |
| 20 | ۴ | اشتباهات سهوی همان جایز الخطایی است | اگر انسان ناخواسته یا سهوی اشتباهی انجام دهد |
| 35 | ۷ | جایز الخطایی یعنی حق اشتباه داشتن | خدا مرا جوری آفریده که حق اشتباه دارم و هیچ کس نمی‌تواند بگوید که نمی‌توانم |
| 50 | ۱۰ | خانواده | مهمترین چیزی که باعث شد من سراغ خلاف برم، خانواده‌ام بودند. |
| 30 | ۶ | فقر عامل بزهکاری | من اصلاً دوست نداشتم خلاف کنم. یازده سال است که ازدواج کرده‌ام شوهرم معتاد است، ولی با همه سختی‌ها ساختم، اما وقتی دکتر گفت اگر دختر سه ساله‌ام عمل نشود، می‌میرد یا یک عمر علیل می‌ماند، مجبور شدم. |
| 15 | ۳ | خطا به علت فقدان محبت | من یک پشتوانه عاطفی می‌خواستم که مرا حمایت کند توی خانه هیچ گوش شنوایی نبود. آن قدر مشکل داشتیم که دیگر کسی برای من وقت نداشت. من را نمی‌دیدند. پس کاری کردم که دیده بشوم تا حداقل برایم دل بسوزانند. |
| 15 | ۳ | محیط سازنده بزهکار | محل ما طوری است که زنها معروفند؛ یعنی وقتی یک کم جذاب شدی، یادت می‌دهند خرج خودت را چه جوری دربیآوری. مادر خودم و خواهرانم همین‌طور بودند. |
| 10 | ۲ | رفیق ناباب | با یکی از همکلاسی‌هایم خیلی جور بودم. خیلی با حال بود. با او به مهمانی می‌رفتم (مادرم خیلی مخالف بود، اما نمی‌گذاشت بابام بفهمد، ولی من محل نمی‌گذاشتم) من را با دوست‌های دوست پسرش آشنا کرد و.. |
| 10 | ۲ | خودم کردم که لعنت بر خودم باد! | به نظر من فقط خودم تقصیر کارم. |
| 20 | ۴ | طلاق عامل بزهکاری فرزندان | از وقتی مادرم از پدرم جدا شد، مشکلات من هم شروع شد ناپدری‌ام با من سر ناسازگاری داشت و دایم تهدید می‌کرد که من را از خونه بیرون می‌کند و من هم برای اینکه او و مادرم را اذیت کنم، خودم تو آن خانه نماندم |
| 25 | ۵ | شوک فوت والدین | همیشه درد دلم را با مادرم می‌کردم. از وقتی او فوت شد دیگر کسی را نداشتم. |
| 5 | ۱ | نا امیدی از لطف خدا. شروع بزه | مشکلاتمان توی زندگی حد و حساب نداشت بابام می‌گفت خدا یادش رفته که ما هم هستیم. من هم خواستم باهاش (خدا) لجبازی کنم |
| 65 | ۱۳ | آرزوی رهایی | از خدا می‌خواهم که زیر حکم بودنم لغو بشود و بتوانم با دختر و خانواده‌ام زندگی بدون جرم داشته باشم. از خدا می‌خواهم که به من یک فرصت دیگر برای زندگی بدهد-رهایی از زندان و شروع زندگی بدون خطا در کنار خانواده وقتی زندان رفتم، توبه کردم و با خودم عهد کردم که دیگر کاری نکنم که به اینجا برگردم، ولی وقتی آزاد شدم، کسی باور نکرد من دیگر آدم سابق نیستم، به یک چشم دیگر نگاهم می‌کردند و حتی خانواده‌ام مرا تو جمع خودشان راه نمی‌دادند، من احتیاج داشتم با کسی درد دل کنم، ولی کسی را نداشتم، نیاز مالی داشتم، ولی کسی حاضر نبود به یک سابقه‌دار اعتماد کند. تنها کسانی که سراغم را گرفتند و با وجود بد اخلاقی‌های من، ولم نکردند، دوستان سابقم بودند که دوباره من را به سمت خلاف سوق دادند. |
| ۳۵ | ۷ | عدم قبول از جانب جامعه | |

کد گذاری سطح دوم یا متمرکز

در این قسمت انبوه داده‌ها (کدها- مفاهیم) به تعداد مشخص و محدودی از مقوله‌های عمده کاهش می‌یابند. از این رو، هر

مقوله در برگیرنده تعدادی کدهای مشابه، متداخل و هم

معناست .

«کد گذاری متمرکز»

| توضیح | کدگذاری متمرکز | مفاهیم (کدگذاری اولیه) |
|---|--------------------|--|
| از عواملی که در زمینه‌سازی بزهکاری دختران، نقش فعالی را ایفا می‌کند، اعمال تبعیض از جانب پدر، مادر یا هر دو است که نوعی حس حقارت را در فرد ایجاد می‌کند و او را به سمت بزه سوق می‌دهد. | تبعیض | ۱- تبعیض از جانب پدر ۲- تبعیض از جانب مادر ۳- تبعیض دو جانبه |
| بعضی مناطق کانون خلاف و خلافاکاری است که بودن در آن محیط تأثیر بسیاری بر روند زندگی فرد دارد و او را نسبت به انجام بزه مستعد می‌کند. همچنین، تأثیر گروه همسالان و میزان علاقه فرد به کسب اعتبار در آن گروه‌ها نیز در بروز برخی انحرافات بسیار مؤثر است. از سوی دیگر رشد کودک در خانواده‌ای که یک یا چند تن از آنها بزهکار هستند، در این زمینه بسیار مؤثر است. | کانون‌های رشد خلاف | ۱- محل سکونت ۲- گروه همسالان ۳- خانواده بزهکار |
| در خانواده‌های گسسته (طلاق واقعی یا طلاق عاطفی) آمار افراد بزهکار بسیار بیشتر است و این مسأله در خانواده‌های تک والد، مخصوصاً بدون مادر بیشتر دیده می‌شود و مورد بسیار مهم در ابتدای فرد به بزهکاری سابقه بزهکاری والدین است که تحت عنوان خانواده‌های بد سرپرست بررسی می‌شوند. | خانواده گسسته | ۱- خانواده بی‌سرپرست ۲- خانواده بد سرپرست ۳- خانواده تک سرپرست |
| حمایت عاطفی مادر از فرزند در تربیت او بسیار مؤثر است؛ به گونه‌ای که عدم حمایت از جانب وی، زمینه‌ساز بروز بسیاری از مشکلات می‌شود. میزان تحصیلات و درک و فهم مادر، اعتماد به حل مشکلات از جانب وی و ارتباط کلامی او نیز در نحوه تربیت بسیار مؤثر است و مادر نقش بسیار مهمی در ایجاد باورهای مذهبی فرزند دارد. | عوامل مادری | ۱- حمایت عاطفی مادر در مراحل مختلف رشد ۲- میزان تحصیلات مادر ۳- میزان تقیدات مذهبی و نحوه انتقال آن به فرزند ۴- ارتباط کلامی ۵- مشکل‌گشا بودن مادر |
| حمایت عاطفی پدر و میزان ارتباط او با دخترش تأثیر بسیار زیادی در زندگی فرزندش ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که نبود این ارتباط زمینه‌ساز مشکلات بعدی می‌شود. در واقع، فرزندان به‌ویژه دختران پدر را به عنوان پشتوانه و حامی خود در مشکلات می‌دانند و اگر این ارتباط قطع شود و یا این حمایت به شکل صحیح انجام نشود، به دنبال حامی در خارج از خانه می‌گردند که مشکلات بسیاری را به وجود می‌آورد. | حمایت پدرانه | ۱- محبت پدرانه ۲- ارتباط عاطفی ۳- پدر مشکل‌گشا |
| فقر از جمله مهم‌ترین عوامل سوق‌دهنده به سمت خلاف است که برخاسته از نیازهای واقعی و یا کاذب است و در ارتکاب بزه بسیار مؤثر است. | فقر | ۱- فقر اقتصادی ۲- تنگناهای اقتصادی در زمینه مسایل درمانی |

براساس نتایج به دست آمده، بین اعتقادات مذهبی فرد و میزان ارتکاب وی به اعمال خلافکارانه رابطه معکوس وجود دارد و در اینجا نقش خانواده برای انتقال این مفاهیم بسیار مهم است؛ به گونه‌ای که برخی مواقع تعصبات بیجای والدین باعث دلزدگی مذهبی فرد می‌شود.

مشکل حادی که افراد را به سمت خلاف مجدد عودت می‌دهد، عدم قبول جامعه و خانواده است که فرد را در تنگنای اقتصادی^۵ عاطفی قرار می‌دهد و زمینه را برای ارتباط با دوستان خلافکار سابق که همچنان پذیرای آنها هستند فراهم می‌کند.

کمیود محبت و سخت‌گیری بیش از اندازه از یک سو و آزادی زیاد و محبت افراطی از سوی دیگر، هر دو باعث بروز مشکلات بسیاری در فرد می‌شود. همچنین، تربیت ناصحیح؛ مثلاً رها کردن بچه و بعد اعمال تربیت در نوجوانی و بزرگسالی نیز از عوامل آسیب‌رسان دیگر است که لزوم تربیت مناسب در مراحل مختلف را نشان می‌دهد.

۱- اعتقادات والدین مخصوصاً مادر
۲- نحوه انتقال اعتقادات
دلزدگی مذهبی

۱- رها کردن افراد پس از آزادی از زندان
۲- نداشتن حمایت مالی - عاطفی پس آزادی
۳- قبول نشدن از طرف خانواده و آزادی بدون حامی جامعه حتی پس از ندامت و توبه فرد
۴- نداشتن موقعیت شغلی مناسب برای کار و درآمد

۱- تربیت سختگیرانه
۲- آزادی بیش از حد و عدم کنترل
۳- تربیت مناسب در مراحل مختلف تربیت افراطی
رشد

هم شغل‌هایی مثل بنایی، نانوایی، کشاورزی، رانندگی، شاگرد جوشکار و برشکار داشته‌اند که با توجه به درآمد پایین خانواده تحت فشار مالی بوده‌اند.

۸۰ درصد مادران پاسخگویان خانه‌دار بوده و بقیه به شغل‌هایی مثل خدمتکاری، تمیزکاری و یا پرستاری در رده پایین و تعدادی در شغل‌های دیگر مشغول بوده‌اند.

ارتباط عاطفی با پدر

در حدود ۵۰ درصد از پاسخگویان ارتباط عاطفی با پدر را بسیار بد و در حد بسیار پایین ذکر نمودند و ۲۵ درصد آنها از داشتن پدر محروم بوده‌اند (اصلاً با پدرم احساس نزدیکی نمی‌کنم؛ یعنی در واقع هیچ احساس پدر و فرزند با او ندارم و تا حالا نتوانسته‌ام با او ارتباط برقرار کنم؛ مثل دو تا غریبه‌ایم).

تفسیر نتایج پژوهش

ارتباط عاطفی والدین با یکدیگر

در حدود ۶۰ درصد پاسخگویان عقیده داشتند که ارتباط عاطفی بین پدر و مادرشان خوب نبوده و یا در حد متوسط رو به پایین است و در اکثر این افراد پدر و مادر از هم جدا شده بودند.

۳۵ درصد پاسخگویان، ارتباط پدر و مادرشان را خوب و یا بسیار خوب (به‌ندرت) عنوان کرده بودند که در اکثر آنها یکی از والدین فوت کرده بود و این ارتباط مربوط به زمان حیات آنها بوده است و بیشتر آنها آغاز مشکلاتشان را از زمان فوت می‌دانستند.

شغل والدین

در ۵۰ درصد پاسخگویان، پدر بیکار بوده و در ۱۰ درصد آنها به خرید و فروش مواد مخدر مشغول بوده است و افراد دیگر

نزدیکی عاطفی با مادر و مشورت با وی برای حل

مشکلات

۹۰ درصد از پاسخگویان ارتباط عاطفی و نزدیکی با مادر را بسیار خوب و در حد پرستش او می‌دانند (مامانم را خیلی دوست دارم در حد پرستش، الان که اینجا هستم به امید روزی نفس می‌کشم که بار دیگر در کنارش باشم)، ۵ درصد متوسط و ۵ درصد در حد بسیار پایین می‌دانند (مادرم مسن است و طرز فکرش قدیمی است، حوصله شنیدن حرف‌های من را ندارد. من هم دوست ندارم با او حرف بزنم). اکثر پاسخگویان زمان نسبتاً زیادی را با مادر صحبت می‌کرده‌اند، ولی مطلب جالب اینجاست که تنها ۶۰ درصد آنها مشکلات اصلی خود را با مادر در میان می‌گذاشته و او را برای حل مشکل توانا می‌دیده‌اند و بقیه موارد، یا خودشان به حل مشکلات اساسی زندگیشان می‌پرداخته‌اند یا ازدوستانشان کمک می‌گرفته‌اند.

افراط و تفریط در تربیت

در تعدادی از پاسخگویان نوعی علاقه یا تنفر افراطی به یکی از والدین دیده می‌شد و این به نوع تربیت آنها برمی‌گشت؛ مثلاً فردی عنوان می‌کرد مادرش را بسیار دوست دارد و در مقابل از پدرش دل خوشی نداشت و دلیل آن را موافقت مادر با همه تصمیم‌های خودش و در مقابل تعصب و سخت‌گیری پدر می‌دانست. در واقع، محبت و علاقه او به مادر به این علت بود که هر تصمیم و انتخاب دختر را تأیید می‌کرد و مانعی برای او نبود؛ یا دختری که پدرش را (با اینکه ساقی مواد مخدر بوده) بسیار دوست داشت، زیرا به او بسیار بها می‌داد و به همکاری با خود تشویق می‌کرد و در مقابل با مادر رابطه نزدیکی نداشت، زیرا او را از این کار منع می‌کرد. در واقع، موافقت با همه تصمیم‌های فرد و یا در مقابل آن سخت‌گیری‌های بی‌اندازه هر دو عامل مشکل‌ساز هستند.

تأثیر اعتقادات مذهبی در کاهش بزهکاری

اکثر پاسخگویان (در حدود ۹۰ درصد) معتقد بودند اعتقادات مذهبی در رفتار صحیح فرد بسیار تأثیر داشته است و تعدادی از آنها معتقد بودند زمانی که به دلایلی از این اصول فاصله گرفته‌اند، زمینه مشکل برایشان فراهم شده است. بقیه افراد تأثیر آن را در حد متوسط می‌دانستند (هر وقت به خدا پناه بردم، درد دل کردن با او مرا سبک کرد و یک جورایی مشکلاتم را حل کرد، یا وقتی صلوات نذر امامان می‌کنم، دلم آرام می‌شود و فکر خلاف را کمتر می‌کنم).

از این تعداد ۳۰ درصد در محیطی رشد یافته بودند که در حد بسیار پایین به این اصول پایبند بودند و به آن اهمیت می‌دادند و تعدادی هم یکی از والدین پایبند و دیگری نبوده است.

الگوی زندگی

در پاسخ به این که، فرد چه کسی را به عنوان الگو در زندگی خود قبول دارد، بیشتر افراد مادر خود را به عنوان الگو معرفی کرده‌اند و تعدادی همسر، خواهر، برادر، دوست پسر و یا شخصیت‌های تلویزیونی را به عنوان الگو عنوان کرده‌اند (که متأسفانه در تعدادی از موارد، این افراد خود بزه‌کار بوده‌اند) و دلیل خود را برای الگو گرفتن از آنها دلسوزی، بردباری، زحمتکش بودن، داشتن اعتماد به نفس، پولدار بودن، موفقیت در زندگی و... عنوان کرده‌اند.

عامل کشیده شدن به بزهکاری

پاسخگویان در جواب این پرسش که عامل بزهکاری آنها چه بوده است، جواب‌هایی از جمله فقر و نداری (۴۰ درصد) من اصلاً دوست نداشتم خلاف کنم. یازده سال است که ازدواج کرده‌ام شوهرم معتاد است، ولی با همه سختی‌ها ساختم اما وقتی دکتر گفت اگر دختر سه ساله‌ام عمل نشود، می‌میرد؛ یا یک عمر علیل می‌ماند، مجبور شدم؛ محیط خانوادگی (۲۵ درصد): محله ما طوری است که زنهایش معروفند؛ یعنی وقتی یک کم جذاب شدی، یادت می‌دهند خرج خودت را چه

می‌کنند تا بتوانند در مشکلات از او کمک بگیرند.

خصوصیات جسمی و روحی فرد

براساس صحبت‌های آگاهان کلیدی، افراد دارای افسردگی، گوشه‌گیری، ترس، اضطراب، ضریب هوشی پایین و فاقد اعتماد به نفس بیشتر مستعد مشکل و انحراف هستند و اگر محیط مناسب باشد، ضریب این کار بالا می‌رود و این امر اگر در کودکی فرد باشد، عاملی برای تشدید است. این امر لزوم توجه والدین به توانایی‌های جسمی و روحی کودک را مهم جلوه می‌دهد و این که از فرد در حد توانایی‌اش انتظار داشته باشند.

بازگشت به بزه

از دیگر مواردی که از صحبت با آگاهان کلیدی و افراد بزهکار به دست آمد، اهمیت حمایت فرد پس از آزادی از زندان است. این افراد اذعان داشتند که پس از خروج از زندان، فرد متمایل به زندگی سالم است، اما عدم مقبولیت در خانواده و جامعه، مشکلات مالی، عدم دسترسی به شغل سالم به علت سابقه محکومیت، نداشتن یک گوش شنوا برای شنیدن مشکلات و دادن راه حل مناسب و دیگر موارد ...، عواملی است که باعث بازگشت فرد به بزه می‌شود، که متأسفانه در این حالت، دیگر به عنوان یک بزهکار اولیه که هنوز حرمت رفتن به زندان برایش شکسته نشده، عمل نمی‌کند، بلکه به صورت یک بزهکار حرفه‌ای و یک سابقه‌دار عمل می‌کند.

جوری دربیآوری. مادر خودم و خواهرانم همین طور بودند؛ کمبود محبت (۲۰ درصد): من یک پشتوانه عاطفی می‌خواستم که مرا حمایت کند. توی خانه هیچ گوش شنوایی نبود. آنقدر مشکل داشتیم که دیگر کسی برای من وقت نداشت. من را نمی‌دیدند. پس کاری کردم که دیده شوم تا حداقل برایم دل بسوزانند؛ خود فرد (۲۰ درصد): به نظر من فقط خودم تقصیر کارم؛ خانواده بزهکار (۱۵ درصد): پدر من ساقی است. من همه جوره عاشقشم. او بهترین الگوی من است. او الگوی یک فرد منظم و با برنامه است؛ نداشتن حامی (۱۰ درصد)؛ دوست ناباب (۱۰ درصد): با یکی از همکلاسی‌هایم خیلی جور بودم. خیلی با حال بود. با او به مهمانی می‌رفتم (مادرم خیلی مخالف بود، اما نمی‌گذاشت بابام بفهمد، ولی من محل نمی‌گذاشتم) من را با دوستان دوست پسرش آشنا کرد و..؛ جامعه (۱۰ درصد)؛ نداشتن ایمان (۵ درصد) و نبود مادر (۵ درصد) را عنوان کرده‌اند.

این افراد مشکل اساسی در زندگیشان را فقر و نداری، کمبود محبت و خلاء عاطفی، نداشتن هدف، فقدان پدر یا مادر، ترس از تنهایی، وجود ناپداری یا نامادری در زندگی، مرگ نزدیکان، عدم مقبولیت در خانواده و نیش و کنایه و سرزنش‌های آنها را عنوان کرده‌اند.

آرزوی فعلی

اکثر پاسخگویان آزادی از زندان و زندگی در کنار خانواده را بزرگترین آرزوی خود ذکر کرده، برای آن لحظه شماری می‌کنند. تعدادی برگشت به چند سال قبل را به عنوان بزرگترین آرزوی خود مطرح می‌کنند. تا این شرایط را دوباره تکرار نکنند و تعدادی داشتن یک دوست خوب را آرزو

(نظیر تأمین نیازهای مادی نوجوان) را اصلی‌ترین شیوه ابراز محبت می‌دانند و در ابراز علاقه و توجه به شیوه‌های جدیدتر، اعم از مستقیم (مانند بیان کلمات محبت‌آمیز) و غیرمستقیم (در آغوش کشیدن، بوسیدن، خرید هدیه‌های کوچک، اما پر مفهوم در مناسبت‌های خاص) دچار مشکلاتی، نظیر: خجالت، ترس و از دست دادن ابهت والدینی هستند. نکته قابل توجه این است که در حال حاضر روابط عاطفی هنوز یکی از اصلی‌ترین کارکردهای خانواده به حساب می‌آید و افرادی که به خانواده و والدین خود احساس دلبستگی دارند، کمتر احتمال دارد زمینه ناراحتی و نگرانی آنها را فراهم کنند، در حالی که فردی که نیازهای عاطفی‌اش در محیط خانواده تأمین نمی‌شود، دچار احساس نوعی یأس و بی‌پناهی می‌شود (مشاهدات میدانی پژوهشگر و مصاحبه با دختران و زنان ساکن در زندان مرکزی اصفهان مؤید این موضوع است) و این امر سبب سرخوردگی‌های روحی فرد شده، می‌تواند عاملی برای گرایش وی به بزهکاری باشد.

برخی از نظریه‌های جامعه‌شناسی انحرافات، نظیر نظریه بوم‌شناسی و نظریه فشار با استناد به آمارهای رسمی انحرافات اجتماعی، پایگاه اقتصادی^۵ اجتماعی خانواده را از متغیرهای مربوط به بزهکاری دانسته‌اند. متفکران این نظریه‌ها بر این باورند که در خانواده‌های با پایگاه اقتصادی^۶ اجتماعی پایین احساس محرومیت، نبود شرایط مناسب زندگی، ارضای نامناسب و یا ارضا نشدن نیازهای جوان و به تأخیر انداختن کامیابی‌های آنان به نوعی می‌تواند آنها را به سوی آسیب اجتماعی سوق دهد.

انحراف والدین، یکی دیگر از متغیرهایی است که می‌تواند هم به طور مستقیم و هم از طریق سایر متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر بزهکاری، زمینه را برای گرایش افراد به بزهکاری فراهم آورد. گرایش والدین به رفتارهای مجرمانه و انحرافی یا وجود فردی با این ویژگی‌ها در خانواده، موقعیت مناسبی برای یادگیری رفتار مجرمانه در اختیار فرد قرار می‌دهد. ساترلند و کرسی در تحقیقات خود به این نتیجه

نتیجه، منبع کنترل از بیرون به درون فرد جابه جا می‌شود. در این شرایط میزان انحراف و بزهکاری در جامعه کاهش می‌یابد، اما بررسی‌های عینی کشور ما نشان می‌دهد در بسیاری از موارد، این شرایط آرمانی اتفاق نمی‌افتد و به علل متعدد، نهادهای دخیل در امر اجتماعی شدن و در رأس همه آنها خانواده در اجرای این امر خطیر موفق نیستند. یکی از این عوامل، خانواده گسسته یا ازهم گسیخته است. خانواده‌ای که در آن والدین نقش سرپرستی خود را به طور مؤثر ایفا نمی‌کنند و الگوی مناسبی برای همانند سازی کودکان و نوجوانان نیستند. ذکر این نکته در اینجا ضروری است که طلاق یا فوت به تنهایی سبب از بین رفتن نقش پدری و مادری در خانواده نیست و چه بسا همسرانی که پس از طلاق نیز نقش پدری و مادری خود را بسیار مؤثرتر از همسرانی که به زندگی پر تنش در کنار هم ادامه می‌دهند، ایفا می‌کنند؛ یا در صورت فوت یکی از والدین، دیگری جای او را به خوبی پر کند تا بچه‌ها احساس خلأ نکنند. ازدیگر موارد، خانواده بی‌سامان است که آنهایی هستند که نظام نسبتاً پایدار ارزش‌ها و هنجارها در آنها شکل نگرفته است، والدین الگوی مناسبی برای اجتماعی شدن فرزندان نیستند و در اغلب موارد ارزش‌ها و هنجارهای خانواده با الگوی ارزشی مسلط جامعه همسویی ندارد. در چنین شرایطی، خانواده وظیفه نظارت بر اعضای خود را به درستی انجام نمی‌دهد و گاهی در این زمینه رفتارهای متناقضی دارد.

از دیگر مفاهیم مورد توجه، مفهوم مراقبت و اعتماد والدینی به مفهوم دلبستگی در خانواده است و تا حد زیادی از نظریه کنترل اجتماعی هیرشی گرفته شده است. هیرشی معتقد است که هر چه افراد وابستگی‌ها، اعتقادات، درگیری‌های شغلی و تحصیلی و تعهدات فردی بیشتری داشته باشند، احتمال کمتری دارد که درگیر رفتار بزهکارانه شوند. در کشور ما علی‌رغم پیشرفت‌هایی که در تمام عرصه‌ها اتفاق افتاده، هنوز هم فرهنگ ابراز محبت در بسیاری از خانواده‌های ایرانی جای اصلی خود را پیدا نکرده است و والدین، الگوهای سستی

۵ - برنامه حمایتی ویژه، نظیر سرکشی مددکاران اجتماعی از منزل دخترانی که یکی از والدین و یا هر دو بزهکار هستند؛
 ۶ - حمایت مالی^۵ عاطفی از دخترانی که از زندان یا کانون اصلاح تربیت آزاد شده‌اند.

تشکر و سپاسگزاری

بدین وسیله از مسؤولان محترم زندان مرکزی اصفهان و کانون اصلاح و تربیت که در این پژوهش، از همکاری دریغ نوزیدند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

- اشتراوس، آنسل و جولیت، کوربین. (۱۳۷۸). مبانی پژوهش کیفی، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران نشر نی.
- ح، احمدی. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی انحرافات و مسایل جامعه ایران، تهران: نشر قطره.
- حریری، نجلا. (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- حسینی، احمد و یکه‌کار، شیرین. (۱۳۹۰). «بررسی مقایسه‌ای عوامل خانوادگی مؤثر بر بزهکاری دختران نوجوان شهر تهران ۱۳۸۶-۱۳۸۷»، پژوهش اجتماعی، سال چهارم، ش ۱۲، ص ۹۷-۱۱۵.
- ساکي، ماندانا؛ صفار، میترا؛ جزایری، حسین؛ آستی، پروین؛ جاریانی، مژگان و ساکی، مژگان. (۱۳۸۶). «بررسی ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی زنان و دختران فراری نگهداری شده در مراکز مداخله در بحران‌های اجتماعی استان لرستان»، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان، دوره نهم، ش ۱، ص ۳۵-۴۲.
- شایگان، فریبا و معصومه جبلی. (۱۳۸۹). «بررسی عوامل فردی مؤثر بر گرایش بزهکاری زنان»، فصلنامه پلیس زن، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۶۸.

رسیدند که کجرفتاری در ضمن کنش متقابل با دیگران و بر اثر ارتباط صمیمی درون گروهی آموخته می‌شود. اگر برخی از خانواده‌های ایرانی را نگاه کنیم، مصداق بارز گروهی را که ساترلند می‌گوید می‌توانند رفتارهای کج روانه را آموزش دهند مشاهده می‌نماییم. بنابراین، خانواده‌ای که باید زمینه مناسب رشد شکوفایی افراد را فراهم سازد، در صورت وجود فرد بزهکار می‌تواند محل آموزش انواع رفتارها و مهارت‌های بزهکارانه باشد.

پس به طور کلی باید گفت خانواده به عنوان اولین گروهی که فرد در آن پرورش می‌یابد، در زمینه بزهکاری، هم نقش پیشگیری‌کننده و هم سوق دهنده دارد. عوامل خانوادگی که شامل فرایند ناقص جامعه‌پذیری در خانواده، عدم دلبستگی‌های عاطفی، کنترل ضعیف خانوادگی، گسیختگی خانوادگی و پایگاه اقتصادی^۶ اجتماعی خانواده است، از عوامل مؤثر بر بزهکاری افراد است.

در پایان، باید گفت با اصلاح ساختار روابط خانواده می‌توان گام مؤثری در زمینه پیشگیری از بزهکاری زنان و دختران در جامعه برداشت.

پیشنهادها و راهکارها

- ۱ - ارائه خدمات آموزشی کاربردی در زمینه روش‌های برقراری ارتباط عاطفی در خانواده از طریق مدارس و رسانه؛
- ۲ - فراهم کردن آموزش‌های کاربردی توسط مددکاران اجتماعی و متولیان حوزه آسیب‌های اجتماعی در خصوص شیوه درست کنترل دختران در خانواده (نه سهل‌گیرانه و نه سخت‌گیرانه)؛
- ۳ - دادن آگاهی لازم به خانواده‌ها در زمینه سن بلوغ دختران و رفتارهایی که در این سنین ممکن است بروز کند و همچنین، نحوه برخورد صحیح با آن؛
- ۴ - ارائه خدمات آموزشی در مدارس به دختران در خصوص تغییر و تحولات سن بلوغ و رفتارهای صحیح در خصوص آن؛

- Juby, H. & Farrington, D.P. (2001) "Disentangle the link between Disrupted Families and Delinquency Birt". *J. Criminol* vol . 41 . pp 22-40.
- Litchfield. Alleh W: Darwin. Thomas. L. & Doali, Bing (1997) "Dimensions of Religiosity as Mediators of the Religiosity Deviant Behaviour" *Journal of Adolescent Research*. Vol. 12, p199-206.
- M. C. Cord, J. (1991) "Family Relationship Juvenile Delinquency and Adult Criminality" *Criminology*, vol .29.No .3pp397-417
- Palusci (Vincent. J) et al. (2008) "Changes in Parenting Attitudes and Knowledge among Inmates and other at Risk Populations after a Family Nurturing Program". *Children and Youth Services Review*, Vol. 30, p 261.
- Sutherland, E .H. (1937) *The Professional Thief* Chicago, University of Chicago press .
- شیخاوندی، د. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات و مسایل جامعه ایران*، تهران: نشر قطره .
- صدیق سروسستانی، ر، ال. (۱۳۸۵). *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات آن.
- مارشال، کاترینو گرچن، راسمن. (۱۳۷۷). *روش تحقیق کیفی*، ترجمه: علی پارسایان و سید محمد اعرابی، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم.
- م، محسنی. (۱۳۷۳). *مقدمات جامعه‌شناسی*، تهران: نشر دوران.
- معظمی، شهلا و مهدوی محمد. (۱۳۸۸). «اختلال در کارکرد رشدی خانواده و بزهکاری اطفال و نوجوانان»، *تحقیقات زنان*، سال سوم، شماره اول، ص ۸۵-۱۱۱.
- منصور، محمود و پریخ دادستان. (۱۳۷۴). *روان‌شناسی ژنتیک ۲*، تهران: انتشارات رشد، چاپ دوم.
- مهدوی، محمد صادق و عباسی اسفجیر، علی اصغر. (۱۳۸۷). «بررسی رابطه بین پیوندهای اجتماعی خانوادگی و میزان بزهکاری نوجوانان»، *پژوهش اجتماعی*، سال اول، شماره اول، ص ۴۵-۱۱.
- Attride ° Stirling . J. (2001) "*Thematic Networks : An Analytic Tool For Qualitative Research*". *Qualitative Research* . vol . 1. No. 3. Pp 385-405.
- Boyatzis, R.E. (1998) Transforming qualitative information: thematic analysis and code development. Stage.
- Bowlby, J. (1951) *maternal coe and maternal Health*. Geneva : world Health organization.
- Braun. V. & Clark. V. (2006) "Using Thematic Analysis in Psychology" . *Qualitative Research in Psychology*. vol. 3. No. 2 . Pp. 77-101.
- Clark, N. lesnick, L. & Dorvan. (1998) Family Functioning and Adolescent Alcohol Use Disorder , *Jornal of Family Psycology* . l(12) 81-92.
- Cernkovich S.A. & Giordano, P.C. (1987) "Family Relations and Delinquency" *Criminology* vol . 25 No.2.pp.295-319.
- Chad Wick, B.A. & Top, B.L. (1993) " Religiosity and Ddelinquency among LDS Adoles Cent". *Journal for the Scientific Study of Religion*, 32, N:1 (March0, P51-67.



